



RR-0007

First Year B. A. Examination

March / April – 2010

Persian
(Classical)

Time : Hours]

[Total Marks : 70

સૂચના :

(૧)

નીચે દર્શાવેલ નિશાનીવાળી વિગતો ઉત્તરવહી પર અવશ્ય લખવી.
Fillup strictly the details of signs on your answer book.

Name of the Examination :
F. Y. B. A.

Name of the Subject :
Persian (Classical)

Subject Code No. : 0 0 0 7 Section No. (1, 2,.....): Nil

Seat No. :

Student's Signature

૧ **الوسمة** વિશે કાશેફીના વિચારો જણાવી કાશેફીની સાહિત્યિક કૃતિઓની ચર્ચા કરો તથા એક શ્રેષ્ઠ ગદ્યકાર તરીકે તેમને મૂલવો. ૧૨

અથવા

૧ **مولانا رومی** નું જીવન ચરિત્ર જણાવી **مثنوی معنوی** ની વિશિષ્ટતાઓ વર્ણવો. ૧૨

૨ ગઝલ એટલે શું ? ગઝલની ઉત્પત્તિ અને વિકાસની ચર્ચા કરો. ૧૨

અથવા

૨ સદરૂદ્દીન બલાગીનો જીવન પરિચય આપો. ૧૨

૩ કોઈ પણ બે ઉપર ટૂંકનોંધ લખો : ૧૦

(૧) **عقل** મનસ્વીનો સારાંશ

(૨) મૌલાના જલાલુદ્દીન રૂમીનો પરિચય

(૩) અમીર ખુશરવની ગઝલની વિશિષ્ટતાઓ

(૪) **ملا و اعظ حسين كاشفي** નો જીવન ચરિત્ર

૪ (અ) ગમે તે એક વિશે તમારી ફારસી ભાષામાં લખો :

૮

- (૧) حکایت جد و جہد
- (૨) فوائد صحبت
- (૩) اخلاق حسنہ

(બ) ગમે તે ચારની ઉદાહરણ સહિત વ્યાખ્યા આપો :

૪

- (૧) تشبیه
- (૨) تجنیس ناقص
- (૩) تضاد
- (૪) تلخیص
- (૫) تجنیس تام
- (૬) طرد و عکس

૫ કોઈ પણ ચારનું ગુજરાતીમાં ભાષાંતર કરો :

૧૨

- (૧) صحبت مردانت از مردان کند
نارخندان باغ را خندان کند
- (૨) صیقل عقلت بدان داد دست حق
که بد و روشن کنی دل را ورق
- (૩) از محبت تلخیا شیرین شود
از محبت مسیا زریں شود
- (૪) گر گرفتار صفات بد شدی
هم تو دوزخ هم عذاب سمرمدی

(۷) دلے دارم کہ ساماں نیست اورا
بدل دردی کہ درماں نیست اورا

(۸) سعدیا بسیار گفتن عمر ضائع کردن است
وقت عذرا آورد نیست استغفرالله العظیم

६ गमे ते बेनुं गुजरातीमां भाषांतर करो.

१२

(۹) آورده اند کہ سلمان فارسی رضی اللہ عنہ در شہری امیر
بود و عادت و سیرت او در ایام امارت و رسم ولایت
بیچ تفاوت نہ کرده بود بلکہ پیوستہ کلیم پوشیدی و
پیادہ رفتی و اسباب خانہ خویش خود تکلف
کردی روزی در میان بازاری رفت مردے اسپست
خریدہ بود و بستہ در راہ نیاد و کسی مینخواست
تا پدید آید و او را بہ بیگار گیرد تا آن اسپست بخانہ
او برساند ناگاہ سلمان آنجا رسید آن مرد او را
نشاخت و بیگار گرفت و آن پستہ اسپست
بر پشت وی نیاد سلمان رضی اللہ عنہ بیچ نہ امتناع
نہ کردی و همچنان می رفت۔

(۲) در اخبار آمده که سلطان مهر با پادشاه روم طرح مواصلت انداخته دو دختر او را از پسر خود خطبه کرد و هم دختر خود را در عقد پسروی در آورد و بسبب این وصلت اصل در سائل از جانبین متوالل گشت و با اتفاق این دو صاحب دولت هر دو مملکت با یکدیگر آراستگی پذیرفتند و در امور رکنی و جزوی مراجعت برای یکدیگر نمودند و بی مشورت و لا بیزم در هیچ مهیم شروع نفرمودی - روزی ملک مهر بقیصر روم پیغام فرستاد که پسران زیده حیات و عمده زندگانی اندونام بعد از وفات جنس لجهیات ایشان باقی نمی ماند -

(۳) یعقوب لیث در مبدئه جوانی یکی از پیران قبیله گفت - خاطر به حال تو نگرانست، دست پیمانی راست کن تا از برائی تو کریمه از خانواده بزرگ بجوایم - یعقوب گفت - عروسی که من خوش کرده ام، دست پیمان او آمده است پیر گفت - آن را بر من عرض کن تا بینم که چیست و از عروس نشان ده تا بدانم که کیست یعقوب بخانه درآمد و شمشیری بیرون آورد و گفت - من عروس ممالک شرق و غرب را خطبه خواهم کرد - و دست پیمان من این تیغ جوایر دار و این شمشیر جوشن گذاراست -